

## تفاوت دیدگاه مفسران با دیدگاه معناشناسانه در رابطه با مفهوم عمل صالح

طیبه اکبری راد<sup>۱</sup>

چکیده:

اهمیت یک واژه کلیدی همچون «عمل صالح» در قرآن کریم بر کسی پوشیده نیست. استفاده از روشهای معنی‌شناسی این امکان را به وجود می‌آورد که به طور دقیق و روش‌مند به تحلیل این واژه در قرآن کریم پرداخته شود. در این مقاله از طریق بررسی روشهای معنی‌شناسی، مانند روابط معنایی و بافت زبانی «عمل صالح» تعریف شده و سپس تعریف معناشناسانه با تعاریف سنتی مفسران مقایسه شده است. در منابع تفاسیری، عمل صالح گاه حقیقتی شرعی و مصادیق آن منحصر به واجبات و گاه حقیقتی عرفی دانسته شده است. از نگاه معناشناسانه، مصادیق عمل صالح در بیان قرآن کریم منحصر به واجبات نیست، البته مصادیق آن واجبات را نیز در بر می‌گیرد. از طرفی هر عمل نیکی صالح نیست، بلکه معیارها و ضوابطی برای عمل صالح وجود دارد. بر اساس معیارهای ذاتی، عمل صالح منطبق با مستهای الهی در جهان آفرینش، حرکت در چهارچوب اوامر الهی (به دور از هر گناهی)، مقبول طبع، عقل و شریعت و در راستای تزکیه بشریت است. بر اساس معیارهای شرعی، عمل صالح همراه با ایمان، به دور از ریا و خالص برای خدا بوده و هدف از آن، خشنودی خدا است. بر این اساس عمل صالح منحصر به فرد بوده و با این ترتیب خیر و بر و معروف و احسان از آن متمایز می‌گردند.

کلید واژه‌ها: عمل صالح، معنی‌شناسی، تفسیر، تفسیر موضوعی قرآن،  
واژه‌شناسی قرآن.

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال.

### طرح مسأله

از نظر قرآن کریم، ایمان و عمل صالح نزد خداوند دارای ارزش و اهمیت والایی است، تا جایی که در بسیاری از سوره‌ها از جزای دنیوی و اخروی ایمان و عمل صالح سخن گفته شده است. از جمله آیات ۷ بینه، ۲-۳ عصر، ۲۶ شوری، ۹۷ نحل، ۲ محمد و ۹۷ طه به آثار دنیوی و آیات ۲۵ و ۸۲ بقره، ۵۷ و ۱۲۲ نساء، ۴۲ اعراف، ۲۳ هود، ۲۳ ابراهیم، ۵۸ عنکبوت و... به آثار اخروی پرداخته‌اند.

ریشه صلاح و مشتقاتش بیش از ۱۷۰ بار در قرآن کریم بکار رفته است. از نظر قرآن تداوم عمل صالح موجبات صلاح ذات را که برترین حالات است، فراهم می‌کند. مرتبه صلاح ذات مرتبه‌ای والا است که همواره آرزوی انبیاء بوده است. خداوند از سلیمان حکایت می‌کند که گفت: «و ادخلنی برحمتک فی عبادک الصالحین» (النمل، ۱۹) از قول ابراهیم می‌فرماید: «ربّ هب لی حکماً و الحقنی بالصالحین». (الشعراء، ۸۳) او برای فرزند خود نیز چنین دعایی کرده و می‌گوید: «ربّ هب لی من الصالحین» (الصافات، ۱۰۰) خداوند نیز دعای او را مستجاب کرده و فرزندانش صالحی چون اسماعیل و اسحاق به او می‌دهد. «و بشرناه باسحاق نبیاً من الصالحین». (الصافات، ۱۱۲) در جای دیگر می‌فرماید: «و ادخلناهم فی رحمتنا انهم من الصالحین». (الانبیاء، ۸۶) از قول یوسف گوید: «و الحقنی بالصالحین». (یوسف، ۱۰۱) همه اینها دال بر این است که صلاح، اشرف مقامات است و صالح وصفی است جامع، که تمام شایستگی‌های یک انسان کامل در آن جمع است.

در قرآن کریم عمل صالح با واژه‌های برّ، خیر، معروف و احسان در یک حوزه معنایی قرار داشته و همه، واژه‌هایی هستند که در معرفی و توصیف کارهای نیک در قرآن کریم بکاررفته‌اند. در عین حال تنوع واژه‌ها برای تبیین کارهای نیک، به صورت یک مسأله برای قرآن شناسان مطرح نبوده است، چنانچه در بیشتر کتب تفسیری عمل صالح به گونه‌ای که از دیگر مفاهیم یاد شده متمایز باشد، مورد بررسی قرار نگرفته است. اما مسأله مهم این مقاله بررسی تفاوت دیدگاه مفسران با دیدگاه معناشناسانه در رابطه با مفهوم عمل صالح است در این مسیر از آنجا که واژگان قرآن، یک شبکه به هم پیچیده مفهومی دارند، برای شناخت دقیق‌تر عمل صالح، واژگان مرتبط با آن شناسایی می‌شوند، تا به این وسیله بار ارزشی عمل صالح تعیین گردیده و توصیفی دقیق از آن به عمل آید.

## مفهوم عمل صالح از دید مفسران

ارزش انسان از نظر قرآن کریم وابسته به ایمان و عمل صالح است. شاید در کمتر صفحه‌ای از صفحات قرآن، ذکری از این دو مساله به میان نیامده باشد.

ریشه صلاح و اصلاح بیش از ۱۷۰ بار در قرآن کریم تکرار شده است. حدود ۸۲ بار شکل‌های مختلف «عملوا الصالحات»، «عمل صالحاً»، «اعملوا صالحاً»، «تعمل صالحاً»، «عمل صالح»، و «العمل الصالح» و... ذکر شده است. ۷۰ بار در قرآن کریم عمل صالح با ایمان، با هم‌آیی و همنشینی دارد. مفاهیم دیگری از جمله توبه، صبر و خلوص در قرآن با عمل صالح قرین هستند. حدود ۳۰ بار شکل‌های مختلف صالحاً، صالحین، صالحون، صالحات و صالح ذکر شده است. ۲۸ بار شکل‌های مختلف اصلاحاً، اصلاح، اصلح، اصلحوا، تصلحوا، لایصلح، یصلح و اصلاحها بکار رفته است. ۲ بار صلح و چند بار شکل‌های مختلف مصلحین، مصلحون، مصلح و لایصلحون آمده است.

اصل و ریشه صلاح به معنای آن چیزی است که از فساد سالم باشد. (مصطفی ابراهیم، ۵۲۰) صلاح در موارد ذات، فکر، اندیشه و عمل به کار می‌رود. (مصطفوی، ۳۰۷/۲) بیشترین کاربرد آن در عمل است. (راغب اصفهانی، ۲۹۲) قدمای مفسران از جمله طبری، طوسی، طبرسی و قرطبی در بعضی از آیات عمل صالح را عمل به آنچه خداوند به آن امر کرده، معنا کرده‌اند. به عنوان مثال طبرسی در آیات ۲۱ کهف، ۱۱۲ طه، ۴۶ فصلت، ۲۸ ص، ۵۱ مومنون، ۳۰ کهف، ۶۲ بقره، ۱۱ سبأ، ۲۵ بقره و... عمل صالح را انجام واجبات معنا کرده است. (طبرسی، ۵۸۱/۶، ۴۵/۷، ۲۵/۹) شیخ طوسی نیز در آیات ۱۷۳ نساء، ۲ کهف، ۸۲ بقره، ۱۰۷ کهف، ۱۲ سجده، ۳۷ سبأ، ۹۷ نحل، ۴۵ روم، ۱۰۰ مومنون و ۳۰ کهف همین معنا را ذکر کرده است. (طوسی، ۴۰۵/۳، ۶/۷، ۵۱/۶، ۱۹۹/۵، ۳۰/۱۵)

طبری و قرطبی نیز در بعضی موارد عمل صالح را رعایت حدود و انجام فرائض معنا کرده‌اند (طبری، ۵۴۷/۱، ۵۱/۶، ۱۹۹/۵؛ قرطبی، ۴۰/۳، ۵۸۶/۴). طبرسی و طوسی در بعضی دیگر از آیات، عمل صالح را انجام واجبات و مستحبات ذکر کرده‌اند (طبرسی، ۲۱۳/۳، طوسی، ۴۲/۴).

شیخ طوسی در آیه ۹۴ سوره انبیاء صالحات را به معنای صله رحم و یاری ضعیف و نصرت مظلوم و فریادرسی ستم‌دیده و جلوگیری از ظلم و... معنا کرده است

(طوسی، ۲۷۷/۷). طبری در آیه ۹۷ سوره نحل عمل صالح را عمل مطابق طاعت خدا و وفای به عهد ذکر کرده است (طبری، ۲۲۲/۱۴). وفای به عهد یکی از مصادیق عمل صالح است که در آیه ۹۱ بیان شده است.

قرطبی در آیه ۵۸ سوره مومن که عمل صالح در مقابل سیئه قرار گرفته است، بنا بر قول ابن عباس سیئه را شرک و عمل صالح را ذکر لا اله الا الله معنا کرده است (قرطبی، ۶۵۹/۳). تفاسیر ابن کثیر و واحدی و ابن زمین و بیضاوی نیز در بعضی از موارد عمل صالح را انجام فرائض ذکر کرده‌اند. (ابن کثیر، ۱۵۱/۳؛ واحدی، ۶۲۷/۲ و ...). نیشابوری در مواردی عمل صالح را انجام فرائض (نیشابوری، ۹۸/۱۶) و در موارد دیگر بنا بر قول صحابه، اخلاص عمل گرفته است. از امیرالمومنین علیه السلام نیز روایت آورده که منظور از عمل صالح نمازهای پنجگانه است. (نیشابوری، ۱۶۹/۱) آلوسی بر اساس جایگاههای مختلف، عمل صالح را معنا کرده است. این معانی عبارتند از عمل به کتاب، واجبات و مستحبات، عمل به دور از عجب و ریا و مرضی خداوند و عمل به دور از عیب و نقص (آلوسی، ۲۴، ۶، ۱۲، ۲۶، ۲۲).

بعضی از تفاسیر مثل تفسیر ابن عربی و المیزان، بر اساس آثار عمل صالح، به تعریف آن پرداخته‌اند. ابن عربی گوید: «عمل صالح، عملی است که انسان را شایسته بهشت می‌کند». (ابن عربی، ۲۷/۱) صاحب المیزان گوید: «درباره صلاحیت عمل گرچه تفسیر روشنی در آیات قرآن ذکر نشده است، ولی آثاری برای عمل صالح بیان شده که معنای آنرا روشن می‌سازد. از جمله اینکه عمل صالح، عملی است که لایق ذات خداست». «والذین صبروا ابتغاء وجه ربهم»... (الرعد، ۲۲) همچنین عمل صالح، عملی است که شایسته ثواب است، چنانکه می‌فرماید: «ثواب الله خير لمن آمن و عمل صالحاً». (القصص، ۱۰) از جمله آثار اینکه عمل صالح سخن نیکو را بسوی خدا بالا می‌برد. چنانچه می‌فرماید: «اليه يصعد الكلم الطيب و العمل الصالح يرفعه» (فاطر، ۱۰) و نیز (طباطبائی، ۴۲۱/۱-۴۲۲).

در میان مفسران معاصر، برخی عمل صالح را عملی مطابق دستور قرآن و شرع اسلام گرفته‌اند. (بانوی اصفهانی، ۳۴۲/۱۱) یکی از مفسران معاصر گوید: «قرآن، عملی را صالح می‌داند که مطابق با دستور نبی و حجّت آن عصر باشد. هر کاری را که دین و پیامبر آن عصر امضا کند و از طرف خدا به وسیله وحی کار نیک معرفی شود، عمل

صالح است. بعضی از کارها را انبیای پیشین تصدیق کرده و صالح و شایسته دانستند. خاتم انبیاء ﷺ هم تصدیق کرده و آن را صالح دانست، چنین عملی، صالح است.» (جوادی آملی، ۳۰۷)

یکی دیگر از معاصرین در این مورد می‌گوید: «عمل صالح بطور اجمال نزد مردم معلوم است. تابع ایمان است و در آیات زیادی به تفصیل ذکر شده است. مانند آیه ۱۷۷ بقره و آیات اول و آخر سوره مومنون و آیات آخر سوره فرقان و اوایل سوره فتح.» او در ادامه می‌گوید: گویا خداوند متعال می‌فرماید: عمل صالح نزد مردم معروف و شناخته شده است، چون بین خیر و شر را تمیز می‌دهند ولی بعضی منحرف شده و از اعتدال فطری خارج شده و گمراه می‌شوند. بنابراین فطرت سلیم به آن راهنمایی کرده و کتاب عزیز و سنت رسول به محدوده آن هدایت می‌کند. (رشید رضا، ۲۳/۱) او اضافه می‌کند: عباداتی که انسان به وسیله آنها به خداوند تقرب یافته و سایر اعمال بری که به خاطر تأثیر در صلاح بشر مورد خشنودی اوست، مانند نیکی به پدر و مادر، صله رحم و اکرام ایتام و مساکین جزء اعمال صالحه است و اصولش و صیای جامع در آیات سوره اسراء است. (رشیدرضا، ۲۱۶-۲۱۵/۱۱) وی طریقه انجام اعمال صالحه را طریقی که رسولان ایشان را به سوی آن خواندند، معرفی می‌کند. (رشید رضا، ۴۲۰/۸)

در مقابل کسانی که عمل صالح را محدود به تعریف نبی می‌دانند، دسته دیگر معتقدند: عمل صالح آن چنان مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد که تمام فعالیت‌های مثبت و مفید و سازنده را در همه زمینه‌های علمی و فرهنگی و اقتصادی و سیاسی و نظامی و مانند آن شامل می‌شود. از اختراع دانشمندی که برای کمک به انسان‌ها سالها زحمت کشیده گرفته تا مجاهدتهای شهید جان بر کفی که در صحنه مبارزه حق و باطل خون خود را نثار می‌کند. از درد و رنجی که مادر باایمانی به هنگام به دنیا آوردن نوزاد و سپس برای تربیت او متحمل می‌شود، گرفته تا زحماتی که دانشمندان برای نوشتن کتابهای پرارجشان می‌کشند، همه را فرا می‌گیرد. از بزرگترین کارها همچون رسالت انبیاء تا کوچکترین برنامه‌ها همچون کنار زدن یک سنگ کوچک از وسط جاده همه در این مفهوم وسیع جمع است. اما اگر ریشه‌های درخت عمل صالح از آب توحید و ایمان به الله سیراب گردد، کمتر ممکن است آفاتی همچون عجب و ریا و تظاهر و

خودبینی و تقلب و منت گذاری و امثال آن در آن راه یابد و به همین دلیل غالباً قرآن این دو را با هم پیوند می‌دهد، چون پیوندشان یک واقعیت عینی و ناگسستنی است. (مکارم شیرازی، ۳۹۳/۱۱-۳۹۴) این مفسر در جایی دیگر عمل صالح را عملی پسندیده نزد خداوند همراه با ایمان و خلوص نیت معرفی می‌کند. او می‌گوید: «ممکن است گاه اعمال صالح از بعضی انسانهای غیر مومن سرزنند، ولی مسلماً ریشه دار و پایدار و گسترده نیست، چرا که از انگیزه‌های عمیق الهی سرچشمه نمی‌گیرد و از جامعیت برخوردار نیست». (مکارم شیرازی، ۳۲/۱۸)

مفسر دیگر اضافه می‌کند: «تا ایمان نباشد عمل صالح به معنای واقعی کلمه یعنی کار خیری که از ریا و خودنمایی و حب مقام و شهرت به دور باشد و همه وقت و در همه شرایط انجام شود وجود پیدا نمی‌کند». (شریعتی، ۳۲۲-۳۲۳) دیگری می‌افزاید: «برای انجام عمل شایسته و مناسب، هوشیاری و موقع شناسی بیش از اصل ایمان لازم است. چنانچه آب منشأ گیاه و درخت است، ولی هر گیاه و درختی به مقیاس سرمایه و کوشش ارزش ندارد و متناسب با محیط نیست. ایمان تنها منشأ عمل صالح نمی‌گردد، چون صلاحیت، تناسب با مقتضیات محیط است، چه بسا عملی نیک و فی نفسه پسندیده است ولی صالح نیست. ایمان درک نقشه سعادت فرد و اجتماع است و عمل صالح فرد و اجتماع را برای رسیدن به آن آماده و نزدیک می‌نماید». (طالقانی، ۹۷/۱) بعضی نیز عمل صالح را محدود به خدمت به اجتماع معنا کرده‌اند. اینان گویند: ایمان به خداوند و خدمت به جامعه دو پایه اصلی عمل صالح را تشکیل می‌دهند: (عابدی، ۱۰۲) بعضی دیگر گویند: «صالحات» همان است که صاحبان عقل سلیم به تناسب زمان و موافق نظر اکثریت بشر و جوامع آنرا می‌فهمند و احکام دین و آموزه‌های پیامبران هم موبد آن است. (عیاشی، تحقیق هاشمی محلاتی، ۳۷۹)

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که در تفاسیر دو نوع نگاه غالب به عمل صالح دیده می‌شود:

- ۱- نگاهی که عمل صالح را یک حقیقت شرعی یافته و به تعاریفی چون انجام طاعات و ترک محرّمات، بجا آوردن فرائض، عمل به کتاب، عمل به مقتضای شرع، عمل به شریعت، عمل مطابق دستور نبی و حجت آن عصر بسنده کرده است.

۲- نگاهی که عمل صالح را یک حقیقت عرفی یافته و تشخیص اعمال صالح را به صاحبان عقل سلیم به تناسب زمان ارجاع می‌دهد. یا عمل صالح را تناسب با مقتضیات محیط ذکر می‌کند و یا آنرا محدود به خدمت به جامعه معنا می‌کند.

### مفهوم عمل صالح از دید معنا-شناسی<sup>۱</sup>

در نگاه معناشناسانه، عمل صالح بر اساس روابط معنایی<sup>۲</sup> در سطح واژگان و جملات و بافت زبانی<sup>۳</sup> تعریف می‌شود. بافت زبانی بر محیط زبانی یک واحد، یعنی بر روابط دستوری و معنایی یک واحد با دیگر واحدهای زنجیره گفتار یا متن دلالت می‌کند. (صفوی، ۲۱۲)

از این رابطه‌ها می‌توان دو معیار برای عمل صالح بدست آورد. ۱- معیار ذاتی ۲- معیار شرعی.

۱- معیار ذاتی: قابل میان عمل صالح با واژگانی چون فاسد (مفسدین ۲۸ ص، یفسدون ۱۵۲ شعراء، یفسدون ۴۸ نمل)، فاسق (فسقوا ۲۰ سجده)، سیئه (السیئات ۲۱ جائیه، سیئه ۴۰ مومن، سوء ۱۲۳ و ۱۲۴ نساء، اساء ۴۶ فصلت، اساء ۱۵ جائیه، المسی ۵۸ مومن)، جرم (۷۴ و ۷۵ طه) و ظلم (ظالمین ۲۲ شوری، للظالمین ۳۶ و ۳۷ فاطر، ظلماً ۱۱۱ و ۱۱۲ طه، لیبغی ۲۴ ص، ظلم ۸۷ و ۸۸ کهف) و استکبار (استکبروا! ۱۷۳ نساء) رهگشای ما به سوی معیار ذاتی عمل صالح است. در بعضی از آیات از جمله آیه ۲۸ ص، عمل صالح در مقابل مفسدین ذکر شده است. در این آیه خداوند می‌فرماید: «ام نجعل الذین آمنوا و عملوا الصالحات کالمفسدین فی الارض ام نجعل المتقین کالفجار».

فساد عبارتست از تغییر دادن چیزی از آنچه طبع اصلیش اقتضا می‌کند. (طباطبائی، ۴۲۷/۱۵) چون در این آیه فساد در مقابل صلاح بکار رفته است، از این رابطه معنایی می‌توان در جهت تبیین معنای عمل صالح مدد گرفت. لذا صلاح به معنای باقی ماندن و یا بودن هر چیزی به مقتضای طبع اصلیش است. بنابراین عمل صالح، عملی منطبق با ستهای الهی در جهان آفرینش و همگام با برنامه‌های حق است. با توجه به اینکه در

1- Semantics  
2- Semantic relations  
3- Linguistic context

سته‌های الهی در جهان آفرینش و همگام با برنامه‌های حق است. با توجه به اینکه در این آیه، مومنین دارای اعمال صالح، متقین و مفسدین، فجار معرفی شده‌اند، می‌توان دریافت که اعمال صالح در چارچوب اوامر الهی و به دور از هر معصیتی می‌باشند. از طرفی در آیه ۱۹ و ۲۰ سجده، عمل صالح در مقابل فسق بکار رفته است. «اما الذین آمنوا و عملوا الصالحات فلهم جنات المأوی نزلاً بما كانوا يعملون. اما الذین فسقوا فمأویهم النار...» فسق در لغت به معنای خروج از محدوده شرع است و آن اعم از کفر است. اکثراً فاسق به کسی گفته می‌شود که ملتزم به احکام شرع است و بعد اخلال در همه احکام شرع یا بعضی از آن ایجاد می‌کند. (اصفهانی، ۳۹۴) تقابل دو آیه نشان می‌دهد که عمل صالح، عملی همراه با ایمان و در چارچوب اطاعت از اوامر الهی است. در بعضی از آیات مثل آیه ۱۵ جائیه، عمل صالح در مقابل عمل سیئه قرار گرفته است. در این آیه خداوند می‌فرماید: «من عمل صالحاً فلنفسه و من اساء فعلیها...» سیئه در لغت، فعل قبیح و زشت است و آن دو قسم است ۱- گناه به اعتبار عقل و شرع زشت است. ۲- گناه به اعتبار طبع انسان زشت است. (راغب اصفهانی، ۲۵۲) تقابل میان عمل صالح و سیئه رهنمای ما به سوی توصیف عمل صالح است. عمل صالح عملی است که نه از نظر عقل و شریعت زشت و مذموم است و نه طبیعت انسانها آن عمل را زشت و ناخوشایند می‌شمرد.

در آیات ۷۴ و ۷۵ سوره طه، مومنین دارای اعمال صالح، در مقابل مجرمین قرار گرفته‌اند. «انّه من یأت ربه مجرمّاً فان له جهنم... و من یاتّه مومنّاً قد عمل الصالحات فاولئک لهم الدرجات العلی» مصداق بارز مجرم در آیات قبل فرعون معرفی شده است که آیات الهی را تکذیب کرده و از ایمان به خدا امتناع ورزید و به خدا دروغ بست. از این تقابل می‌توان در جهت شناخت مومنین دارای اعمال صالح، استفاده کرد. آنان کسانی هستند که آیات الهی وسیله ایست برای هدایتشان و از بدیها و جرم و گناه خود را پاک می‌کنند. «ذلک جزاء من تزکی». طبق این آیات عمل صالح، عملی است در راستای تزکیه انسان. در بعضی از آیات مثل آیات ۸۷ و ۸۸ سوره کهف، عمل صالح در مقابل ظلم قرار گرفته است. «اما من ظلم فسوف نعذبه... و اما من امن و عمل صالحاً فله جزاء الحسنی و...» اهل لغت، ظلم را وضع چیزی در غیر موضعش بیان



کرده‌اند یا به نقصان یا به زیادت یا به عدول از وقت و مکانش. ظلم می‌تواند میان انسان و خدا باشد و یا میان انسانها باشد و یا ظلم به نفس باشد. (راغب اصفهانی، ۳۲۶) بنابراین عمل صالح نیز نقطه مقابل ظلم، گاه در ارتباط انسان با خدا می‌باشد. گاه در بعد اجتماعی و در عرصه‌های اجتماعی مطرح می‌گردد و گاه در عرصه فردی عنوان می‌شود. بر اساس این تقابل، عمل صالح، عملی همگام با سنتهای حاکم بر نظام آفرینش و سازگار با سنتهای طبیعت است. اگر می‌بینیم که ما مسلمانان در بسیاری از جهات عقب مانده‌ایم و غریبه‌ها پیشرفت کرده‌اند، دلیلش این است که آنان بعضی از سنتهای الهی مانند نظم، برنامه ریزی، سعی و مدیریت و... را کشف کرده و به آن عمل کرده‌اند.

در آیه ۱۷۳ سوره نساء مومنین دارای اعمال صالح، در مقابل مستکبرین قرار گرفته‌اند. «فاما الذین آمنوا و عملوا الصالحات فیوقیهم اجرهم و یزیدهم من فضله و اما الذین استکفوا و استکبروا فیعذبهم عذاباً الیماً» منظور از استکبار در اینجا، استکبار از عبودیت خداوند است چون در آیه قبل می‌فرماید: «و من یتکف عن عبادته و یتکبر فسیحشرهم الیه جمیعاً» این تقابل، نشان می‌دهد که عمل صالح در چارچوب پذیرش حق و عبودیت خداوند است. بنابراین در تعریف عمل صالح می‌توان گفت: عمل صالح، عملی است که ضد ظلم، ویرانی، فساد، فسق و فجور بوده و در نتیجه فایده آن متوجه بشریت است.

۲- معیار شرعی: همراهی عمل صالح با ایمان، صبر، توبه و خلوص دومین ملاک و معیار عمل صالح را مشخص می‌کند. حدود ۷۰ بار در قرآن کریم عمل صالح با ایمان قرین است. این همراهی نشان می‌دهد که از دید قرآن کریم عملی صالح تلقی می‌شود که نشأت گرفته از ایمان باشد. متعلق ایمان در بعضی آیات مانند ۶۷ قصص، ۱۵ روم، ۴ سبأ، ۲۳ ابراهیم، ۳۰ چائیه، ۱۹ اسراء و... توحید و معاد است. در بعضی از آیات مانند آیات ۲۵ بقره، ۹ اسراء و... متعلق ایمان علاوه بر توحید، قرآن و نبوت نیز می‌باشد. بافت زبانی آیات ۹ عنکبوت و ۱۴ حج نشان می‌دهد که ایمانی می‌تواند منشاء عمل صالح باشد که حقیقی و خالص باشد. (منظور از ایمان حقیقی، ایمانی است که قابل درک برای همه طبقات باشد). اعمالی که معیار ذاتی صالح و شایسته بودن را دارند ولی متکی بر ایمان نیستند، دوام و بقا ندارند. وجه

اشتراک ایمان و عمل صالح که الزام همراهی این دو را تعیین می‌کند، حق بودن است. از آنجا که مبنای خلقت و نظام آفرینش بر اساس حق استوار است، اعتقاد انسانها و اعمال آنها نیز از این مبنا مستثنی نیست. اگر بعضی از اعمال مبتنی بر حق باشد، ولی عقیده بر این مبنا نباشد، تحت تأثیر عوامل مختلف تغییر خواهد کرد و دائمی و استوار نخواهد بود.

در قرآن کریم در چند مورد عمل صالح با توبه همراهی دارد. این موارد عبارتند از: آیات ۶۷ قصص، ۶۰ مریم، ۷۰ فرقان، ۱۶ نساء، ۱۴۶ نساء، ۳۹ مائده، ۵۴ انعام، ۱۱۹ نحل، ۵ نور، ۱۶۰ بقره و ۸۹ آل عمران. در بعضی از این آیات منظور از توبه دگرگونی در فکر و عقیده است. مانند آیات ۱۶۰ بقره و ۱۸۹ آل عمران و در بعضی دیگر از آیات منظور از توبه، پشیمانی از معاصی گذشته است. این آیات نشان می‌دهند که برای انجام عمل صالح لازم است برای کسانی که در مسیر حق قرار ندارند، دگرگونی در فکر و عقیده حاصل شود و برای کسانی که ایمان داشته، ولی اعمالشان صالح نبوده یعنی در چارچوب فرامین الهی نبوده، در این مسیر قرار گرفته و اصلاح گردند. در اینجا توبه پیش نیاز عمل صالح است.

در آیه ۱۱۰ کهف، عمل صالح با خلوص همراهی دارد. «فمن كان يرجوا لقاء ربه فليعمل عملاً صالحاً و لا يشرك بعبادة ربه احداً». در این آیه یکی از معیارهای عمل صالح خلوص نیت ذکر شده است.

در آیه ۱۱ هود عمل صالح با «صبر» همراهی دارد. «الا الذين صبروا و عملوا الصالحات» متعلق صبر در آیات ۹ و ۱۰ ذکر شده است. منظور از صبر، استقامت در سختیها و همچنین صبر بر وفور نعمت است. در این آیه صبر زمینه و پیش نیاز عمل صالح است. در فراز و نشیب‌های زندگی کسانی بطور متداوم موفق به انجام عمل صالح می‌شوند که صبور باشند و ناامید و یا سرمست و طاغی نگردند.

در آیات ۱۹ نمل و ۱۵ احقاف، عمل صالح با شکر همراهی دارد. در این آیات شکر زمینه و پیش نیاز عمل صالح است. در بعضی از آیات شکر به عنوان یکی از مصادیق عمل صالح ذکر شده است. در این گونه آیات منظور از شکر، شکر عملی است. در آیات ۵۱ مومنون، ۷۰ و ۷۱ احزاب و ۷۵ توبه، عمل صالح با رزق طیب و قول مسدید

قرین است. این همراهی‌ها نشان می‌دهد که زمینه و پیش‌نیاز عمل صالح علاوه بر موارد یاد شده، روزی طیب و حلال و سخن صواب می‌باشد.

از طریق روابط معنایی در سطح جمله‌ها و بافت زبانی، می‌توان به شناسایی مصادیق عمل صالح در قرآن کریم پرداخت. این مصادیق در ابعاد مختلف فردی (خصوصیات فردی و ارتباط با خدا)، خانوادگی، اجتماعی و نظام طبیعت قابل شناسایی است.

مصادیق عمل صالح در ارتباط با خصوصیات فردی عبارتند از: ۱- صبر: در آیات ۵۸ و ۵۹ سوره عنکبوت خداوند می‌فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُم مِّنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ. الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» رابطه معنایی عملوا الصالحات و الذين صبروا شمول معنایی است. صبر زیر شمول و یا یکی از مصادیق عمل صالح است. هر چند صبر در آیه مطلق است و شامل اقسام صبر می‌شود و لکن مورد آیه، صبر بر مصیبت است. ۲- توکل بر خدا (۵۹ عنکبوت) ۳- میانه روی در مصرف (بافت آیه ۷۱ فرقان) ۴- پرهیز از لغو (۷۲ فرقان) مصادیق عمل صالح در ارتباط با خدا، نماز (۲۷۷ بقره، ۱۷۰ اعراف و ۸۳ بقره)، مهاجرت (بافت آیه ۵۶ حج)، جهاد (۱۲۰ توبه)، تایید و تصدیق آیات الهی (۹ و ۱۰ مائده) و عمل در چارچوب فرامین الهی (۴۵ و ۴۶ فصلت) است.

مصادیق عمل صالح در نظام اجتماعی، ایجاد و حفظ روابط سالم اقتصادی (۸۵ اعراف)، رعایت حقوق دیگران (الف: حسن معاشرت با مردم ۸۲ بقره و ۷۰ فرقان، ب: برقراری امنیت جانی ۶۸ فرقان)، داوری عادلانه میان مردم (۵۷-۵۸ نساء)، امانت‌داری (۵۸ نساء)، هنر متعهدانه (۲۲۴-۲۲۷ شعراء)، شتاب در کارهای خیر (۱۱۴ آل عمران)، سفارش به حق و صبر (۳ و ۴ عصر)، صنعت پایدار (۱۰ و ۱۱ سبا)، امر به معروف و نهی از منکر (۱۱۴ آل عمران)، حجاب (۳۱ و ۳۲ احزاب) می‌باشد.

از جمله مصادیق عمل صالح در نظام اجتماعی صنعت متقن و مفید است. خداوند در آیات ۱۰ و ۱۱ سوره سبا می‌فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالِ أَوِّبِي مَعَهُ الرِّيحَ وَالطَّيْرُ وَالنَّارُ لَهَا الْحَدِيدُ. أَنْ أَعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدَّرَ فِي السَّرْدِ وَعَمِلُوا صَالِحًا أَنْتَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا». در این آیات خداوند به بیان فضل و رحمت خود به داوود می‌پردازد. از جمله فضل و رحمتش به داوود، اعطاء علم صنعت به او است. بعد از او می‌خواهد که از این علم درست استفاده کند. برای ساختن زره نهایت دقت خود را بکند. حلقه‌ها را به

اندازه و متناسب قرار دهد و در این کار عمل صالح ارائه دهد. به داوود می‌گوید: زره را راحت و گشاد درست کن. نه حلقه‌ها را بیش از اندازه کوچک و باریک کن که حالت انعطاف خود را از دست بدهد و نه زیاد درشت. همه چیزش به اندازه و متناسب باشد. در انتها داوود و خانواده وی را مخاطب ساخته، می‌گوید: عمل صالح انجام دهید که من نسبت به آنچه انجام می‌دهید بصیر و بینا هستم. بافت زبانی آیه<sup>۱</sup> نشان می‌دهد که منظور از عمل صالح در اینجا شکر عملی، یعنی استواری و ثبات و اتقان در عمل خصوصاً در صنعت است. (مدرسی، ۱۰/۴۳۵) در اینجا می‌فرماید: دقت کافی را از هر جهت در کارها خصوصاً در صنعت داشته باش تا محصول کامل و مفیدی ارائه دهی و از هر گونه بدکاری و کم‌کاری پرهیز.

مصادیق عمل صالح در نظام خانوادگی احسان به پدر و مادر (۸۲ و ۸۳ بقره)، رعایت حقوق همسر (۳۴ نساء) است. مصداق عمل صالح در نظام طبیعت، حفظ محیط زیست (۵۶ و ۵۷ اعراف) است.

دیدگاه معناشناسانه این امکان را به ما می‌دهد که به تعریفی دقیق از عمل صالح در قرآن کریم دست یابیم. بر اساس این دیدگاه آنگونه که بعضی از تفاسیر متقدم و متأخر ذکر کرده‌اند، مفهوم عمل صالح محدود و منحصر به مفاهیم شرعی نیست، هر چند که این مفاهیم را نیز در بر می‌گیرد. از سوی دیگر آنگونه که برخی از معاصرین تشخیص آنرا به صاحبان عقل سلیم و نظر اکثریت بشر ارجاع داده‌اند، نیز نمی‌باشد. عمل صالح در عین اینکه محدود به مفاهیم شرعی نبوده و نیست و همه عرصه‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی زندگی انسان را در بر می‌گیرد، در عین حال دارای ملاک و معیار شرع است و آن همراهی عمل صالح با ایمان و خلوص نیت است.

۱- در آیات بعد وقتی داستان سلیمان و قوم سبا و نعمتهای الهی برای این اقوام مطرح می‌شود، یک یک این اقوام امر به شکرگذاری می‌شوند. یعنی اگر خداوند به خانواده داوود امر به عمل صالح می‌کند، این فراز به صورت «اعملوا آل داود شکراً» و «اشکروا له» برای اقوام دیگر بیان می‌شود. تناظر میان «اعملوا صالحاً» و «اشکروا له» نشان دهنده این است که منظور از عمل صالح در این آیه شکر عملی است.

باشد. چنین اعمال صالحه ایست که دارای آثار دنیوی و اخروی فراوان است. زمانی که انسان همه اعمالش در همه زمینه‌ها صالح گردد، بطور قطع در دنیا بهترین مخلوق خدا (۷ بینه) خواهد شد، از خسران و هلاکت‌های یافته (۲-۳ عصر)، دعایش به اجابت خواهد رسید (۲۶ شوری) و در نهایت، زندگی گوارا و مملو از آرامش خواهد داشت. خداوند محبت او را در قلوب قرار داده (۹۷ طه) و نیت او را در مسیر درست به جریان خواهد انداخت. (۲ محمد)

عمل صالح در آخرت، خلود در بهشت (۲۵ و ۸۲ بقره، ۵۷ و ۱۲۲ نساء، ۴۲ اعراف، ۲۳ هود، ۲۳ ابراهیم، ۵۸ عنکبوت، ۹ لقمان، ۱۱ طلاق)، امنیت و عدم خوف از ظلم (۲۷۷ بقره، ۶۹ مائده، ۶۲ بقره، ۳۰ کهف، ۱۱۲ طه)، پاداش بی حساب (۶۰ مومن، ۲ و ۳ کهف، ۹ مائده، ۹ اسراء، ۷ فاطر، ۲۹ فتح، ۱۱ هود، ۳۷ سباء، ۳۱ احزاب، ۱۷۳ نساء)، پاداش دائمی (۸ فصلت، ۲۵ انشاق، ۶ تین)، بهشت و نعمتهای آن (۲۳ حج، ۷۵ طه، ۶۰ مریم، ۱۵ روم، ۲۲ شوری، ۸ لقمان، ۱۰۷ کهف، ۱۹ سجده، ۱۲ محمد، ۱۱ بروج، ۲۹ رعد، ۵۶ حج)، آمرزش گناهان (۵۰ حج، ۷ عنکبوت، ۹ تغابن، ۸۲ طه، ۷۰ فرقان)، رحمت و فضل الهی (۴۵ روم، ۳۰ جائیه)، خواهد داشت.

### حوزه‌های معنایی<sup>۱</sup> مرتبط با عمل صالح

واژه‌های مرتبط با عمل صالح که برای معرفی و توصیف کارهای نیک در حوزه معنایی عمل صالح بکاررفته‌اند، عبارت‌اند از احسان، معروف، خیر و بر. اشتراک در یک وجه مشترک سبب قرار گرفتن واژگان در یک حوزه معنایی می‌شود. (صفوی، ۱۹۰) از آنجایی که واژگان قرآن یک شبکه به هم پیچیده مفهومی دارند، برای درک بهتر هر واژه لازم است به رابطه آن واژه با مفاهیم مرتبط با آن پرداخت. برای شناخت دقیق‌تر عمل صالح، لازم است واژگان مرتبط با آن شناسایی شوند. در این صورت است که بار ارزشی عمل صالح تعیین شده و توصیفی دقیق از آن به عمل خواهد آمد. در این بخش از طریق روابط معنایی و بافت زبانی، مفاهیم و مصادیق این واژگان شناسایی شده و رابطه مفهومی عمل صالح با تک تک این مفاهیم مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

## ۱- مفهوم احسان

ریشه حسن به صورتهای مختلف حسن، حسنه، حُسنی، احسن، احسان، حسان، حسنت، احستتم، احسنوا، تحسنوا، یحسنون، احسن، حُسن، حُسنًا، حسنا، حسنات، حسنین، احسانًا، محسن، محسنون، محسنین و محسنات در قرآن کریم بکار رفته است. بسیاری از مشتقات آن از قبیل حسنه، حسنی، حسنا، احسن و حسان به صورت صفت، مضاف یا خبر برای هر چیزی که احساس خوشی، رضایت، زیبایی و تحسین در ما برانگیزد، بکار رفته است.

دامنه کاربرد این واژه بسیار وسیع است، به گونه‌ای که امور دنیوی را دربر گرفته و امور دینی را نیز شامل می‌شود. به عنوان مثال قرآن برای نشان دادن رزق لذیذ، رشد کامل، روزی فراوان و وسیع و ترسیم زیبایی یک فرد و... از این واژه استفاده کرده است. «رزقاً حسناً» (نحل، ۶۷)، (نحل، ۷۵)، «نباتاً حسناً» (آل عمران، ۳۷)، «خیرات حسان» (رحمن، ۵۵) «و لو أعجبتک حسنه» (احزاب، ۵۲) و... از طرفی دیگر برای ترسیم گزاره‌های خوب و نیک دینی، قرآن از همین واژه استفاده کرده است. به عنوان مثال برای نشان دادن قرض ایده‌آل، وعده عالی، الگوی عالی، موعظه عالی و... از همین واژه استفاده شده است. «قرضاً حسناً» (بقره، ۲۴۵)، «و وعداً حسناً» (قصص، ۶۱)، «اجراً حسناً» (کهف، ۲، فتح، ۱۶)، «اسوه حسنه» (احزاب، ۲۱)، «الموعظه الحسنه» (نحل، ۱۲۵).

واژه حسنه در قرآن کریم در مقابل سیئه بکار رفته است. سیئه در قرآن، فعل قبیح و زشت و معصیت است، بنابراین حسنه به معنای فعلی است که در آن بدی و نقص و معصیت نباشد. لذا معنای اصلی و صریح<sup>۱</sup> آن، کار درست و نیکو است. مانند آیه «من جاء بالحسنة فله عشر امثالها و من جاء بالسيئة فلا يجزي الا مثلها و هم لا يظلمون» (الانعام، ۳۰) در بافت‌های زبانی گوناگون، معنای ضمنی<sup>۲</sup> آن، تغییر پیدا می‌کند. در بعضی از بافتها تقریباً مترادف خیر در دو زمینه دینی و دنیایی بکار رفته است. گاه نیز مطلق خیر دنیوی یا اخروی را می‌رساند. مانند آیات ۲۰۱ بقره، ۱۲۲ نحل و ۱۵۶ اعراف. گاه بافت زبانی تعیین کننده نوع خیر دنیوی یا اخروی است، مثلاً در آیات ۱۲۰ آل عمران، ۷۸ نساء، ۵۰ توبه و ۷۹ نساء حسنه به معنای فتح و غنیمت است.

1- Denotation  
2- Connotation

در آیات ۱۳۱ اعراف، ۱۶۸ اعراف و ۹۵ اعراف، حسنه به معنای وسعت نعمت است. در آیات ۶ رعد و ۴۶ نحل، حسنه به معنای عاقبت است. در آیات ۹۰ نحل و ۸۴ قصص، حسنه به معنای توحید است. در بعضی از آیات به جای حسنه فعل احسن و یا مصدرش احسان و یا اسم فاعلش محسنین ذکر شده است.

احسان در آیات قرآن به معنای نیکویی کردن است که از اخلاق حمیده و پسندیده بوده و در قرآن کاربرد بسیار دارد. خداوند در آیه ۹۰ نحل به نیکویی کردن فرمان می‌دهد. «ان الله یامر بالعدل و الاحسان». در آیه ۱۹۵ بقره می‌فرماید: «واحسنوا ان الله یحب المحسنین». در آیه ۶۰ رحمن می‌فرماید: «هل جزاء الاحسان الا الاحسان» در قرآن نیکویی کردن به پدر و مادر، خویشان، یتیمان، بینوایان، همسایگان و... سفارش شده است. شکل نیکویی کردن به دیگران به وسیله گفتاری به دور از هر کنایه و تندید و رفتاری احترام آمیز و متواضعانه و سخاوتمندانه و نیت و دعاء خیر به تصویر کشیده شده است. معنای دیگر آن که برای اسم فاعل آن و فعل آن ذکر شده، اطاعت از اوامر الهی است که در همه ابعاد و زمینه ها بکار رفته است. «و یجزی الذین احسنوا بالحسنى الذین یجتنبون کبائر الاثم و الفواحش الاثم». (النجم، ۳۱-۳۲)

مصادیق احسان در ابعاد مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی کاربرد دارد. در بعد فردی از دو منظر خصوصیات فردی و ارتباط با خدا قابل بررسی است. مصادیق احسان در ارتباط با خصوصیات فردی عبارتند از صبر (۹۰ یوسف، ۱۱۵ هود، ۳۵-۳۷ حج، ۱۴۶-۱۴۸ آل عمران)، فرو بردن خشم (۱۳۴ آل عمران)، عفو و بخشش (۱۳۴ آل عمران)، وفای به عهد (۱۵۱ - ۱۵۳ انعام).

مصادیق احسان در ارتباط با خدا عبارتند از اعتقاد و باور عمیق به خدا (۱۵۱ انعام)، اطاعت از خدا و رسول (۱۲۹ احزاب)، جهاد در راه خدا (۶۹ عنکبوت)، اجتناب از گناهان کبیره و فحشاء (۱۵۲ انعام)، استغفار از گناهان (۱۸ ذاریات)، یقین به آخرت (۳ و ۴ لقمان).

مصادیق احسان در خانواده عبارتند از: مهربانی به پدر و مادر (۱۵۱ انعام، ۳۶ نساء، ۲۳-۲۴ اسراء، ۱۵ احقاف) و به قتل نرساندن فرزندان از ترس فقر (۱۵۱ انعام، ۳۱ اسراء).

مصادیق احسان در نظام اجتماعی عبارتند از: مهربانی به خویشان، یتیمان، مسکینان، همسایگان و... (۳۶ نساء)، صدقه (۱۹ ذاریات)، انفاق (۳۵ حج)، پرداخت زکات (۴ لقمان) برقراری و نگهداری روابط سالم اقتصادی (۱۵۲ انعام)، رعایت حقوق دیگران (۱۵۱ انعام)، دعوت به سوی خدا (۱۲۵ نحل). مصداق احسان در نظام طبیعت، حفظ محیط زیست است (۵۶ اعراف).

از تفاوت‌های حسنه و احسان با عمل صالح می‌توان به این نکته اشاره کرد که واژه حسنه و احسان در آیات مطلق ذکر شده است. مانند: «من جاء بالحسنة فله عشر امثالها» (الانعام، ۳۰) در حالی که، عمل صالح در بیشتر آیات همراه با ایمان ذکر شده است. بر این اساس است که عمل صالح اخص از حسنه و برتر از آن است. این نکته را می‌توان از میزان پاداشی که خداوند برای آن دو وعده داده، بدست آورد. «والذین آمنوا و عملوا الصالحات فی روضات الجنات لهم ما یشاءون عند ربهم ذلک هو الفضل الکبیر... و من یقترف حسنة نزدله فیها حسناً ان الله غفور شکور». (الشوری، ۲۲-۲۳) عاملین به صالحات در بهشت بوده و هر آنچه بخواهند، در اختیارشان خواهد بود. اما عاملین به حسنات مقداری به حسناتشان افزوده خواهد شد.

## ۲- معروف

مفهوم معروف را در قرآن کریم می‌توان از طریق روابط معنایی در سطح واژه از نوع تقابل معنایی<sup>۱</sup>، شناسایی کرد. در آیات قرآن، معروف مقابل منکر قرار گرفته است. در بعضی از آیات به شناسایی واژه منکر پرداخته تا از این طریق واژه معروف شناسایی شود. در آیات ۱۲ حجر، ۲۵ ذاریات و ۸۷ کهف، منکر و نکر به معنای ناشناخته آمده است. در آیات ۷۴ کهف، ۲۹ عنکبوت و ۲ مجادله به معنای زشت آمده است. زشتی که برای طبع انسان ناشناخته بوده و مجتمع بشری آنرا نمی‌شناسد. واژه معروف که در مقابل منکر آمده به معنای شناخته شده، نیکو، منطبق بر طبیعت انسان و شرع و عرف است. کاربرد واژه معروف در قرآن کریم متفاوت است. در آیات ۱۰۴ آل عمران، ۱۱۰ آل عمران، ۱۱۴ آل عمران، ۱۵۷ اعراف، ۶۷ توبه، ۷۱ توبه، ۱۱۲ توبه و ۴۱ حج، معروف به عنوان یک اصطلاح دینی (یا مرون بالمعروف...) بکار رفته است.



در بعضی از آیات به شناسایی واژه منکر پرداخته تا از این طریق واژه معروف شناسایی شود. در آیات ۱۲ حجر، ۲۵ ذاریات و ۸۷ کهف، منکر و نکر به معنای ناشناخته آمده است. در آیات ۷۴ کهف، ۲۹ عنکبوت و ۲ مجادله به معنای زشت آمده است. زشتی که برای طبع انسان ناشناخته بوده و مجتمع بشری آنرا نمی شناسد. واژه معروف که در مقابل منکر آمده به معنای شناخته شده، نیکو، منطبق بر طبیعت انسان و شرع و عرف است. کاربرد واژه معروف در قرآن کریم متفاوت است. در آیات ۱۰۴ آل عمران، ۱۱۰ آل عمران، ۱۱۴ آل عمران، ۱۵۷ اعراف، ۶۷ توبه، ۷۱ توبه، ۱۱۲ توبه و ۴۱ حج، معروف به عنوان یک اصطلاح دینی (یأمرن بالمعروف...) بکار رفته است.

در بعضی از آیات معروف به عنوان امر شناخته شده توسط شرع یا طبع یا عرف بکار رفته است. این امور می‌توانند قول و سخن باشند، «قولاً معروفاً» (احزاب، ۳۲) یا معاشرت و برخورد، «وعاشروهنّ بالمعروف» (نساء، ۱۹) یا هزینه زندگی و پوشش «رزقهنّ و کسوتهنّ بالمعروف» (بقره، ۲۳۳) یا مصاحبت، «وصاحبهما فی الدنیا معروفاً» (لقمان، ۱۵) و یا مشورت باشد، «وأتمروا بینکم بمعروف» (طلاق، ۶)

حدود ۳۹ بار این واژه در قرآن کریم بکار رفته است. بیش از پنجاه درصد موارد کاربرد این واژه مرتبط با بخش های حقوقی است. به ویژه در مواردی که مقررات مربوط به وظایف و فرائض اخلاقی در روابط خانوادگی مانند رابطه میان زن و شوهر، پدر و مادر و فرزندان، میان اقربا و خویشاوندان نزدیک و ... مطرح است. بیش از نیمی از موارد حقوقی مربوط به حقوق زن است. مانند «فامساک بمعروف»، (بقره، ۲۲۹) «سرّحوهنّ بمعروف»، (بقره، ۲۳۱) «متاع بالمعروف»، (بقره، ۲۴۱) «رزقهنّ و کسوتهنّ بالمعروف». (بقره، ۲۳۳)

واژه معروف نیز مانند عمل صالح و احسان دارای مصادیقی در بعد فردی، خانوادگی و اجتماعی است. در بعد فردی بعضی از مصادیق، مربوط به رابطه انسان با خداست که آنها عبارتند از ۱- شرک نوزیدن به خدا (۱۲ ممتحنه) ۲- اطاعت از خدا و رسول (۵۳ نور، ۷۱ توبه) ۳- به یاد خدا بودن. مصداق بارز یاد خدا اقامه صلاه است که در آیات ۴۱ حج، ۷۱ توبه، ۱۷ لقمان و ۱۱۲ توبه بیان شده است. ۴- توبه

(۱۱۲ توبه) ۵- روزه (۱۱۲ توبه) ۶- پرهیز از گناهان زشت (۴۵ عنکبوت) ۷- تواضع (۱۸ لقمان).

مصادیق معروف در نظام خانوادگی عبارتند از: ۱- به قتل نرساندن فرزندان (ممتحنه، ۱۱۲) ۲- اهمیت به حقوق فرزندان (طلاق، ۶) ۳- حفظ حقوق همسران «و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف» (بقره، ۲۳۸)، «فامسکوهن بمعروف» (طلاق، ۲)، «سرحوهن بمعروف» (بقره، ۲۳۱)، «فارقوهن بالمعروف» (طلاق، ۲)، «تسریح یا حسان» (بقره، ۲۲۹، بقره، ۲۳۲، بقره، ۲۳۴، بقره، ۲۴۰)، ۴- مصاحبت متعارف و شایسته با پدر و مادر مشرک (لقمن، ۱۴ و ۱۵). مصادیق معروف در نظام اجتماعی عبارتند از ۱- رعایت حقوق دیگران ۲- پرداخت زکات (حج، ۴۱، توبه، ۷۱).

در بعضی موارد معروف به عنوان یکی از مصادیق عمل صالح در قرآن کریم بکار رفته است. در تفاوت معروف و عمل صالح می‌توان گفت که معروف بیشتر در مسائل حقوقی بخصوص حقوق خانواده بکار رفته است. این واژه نیز در قرآن به صورت مطلق ذکر شده است.

### ۳- خیر

واژه «خیر» مفهومی بسیار وسیع و فراگیر دارد و همه امور ارزشمند، سودمند، مطلوب و نافع را در بر می‌گیرد. این واژه در قرآن گاه به صورت وصفی و گاه به صورت اسمی ذکر شده است. در بیش از ۹۰ مورد این واژه به صورت وصفی آمده است. معنای وصفی آن گاه تفضیلی و گاه عالی می‌باشد. در قرآن کریم دامنه معنایی این واژه امور دنیوی نظیر مال و ثروت (۲۱۵ بقره، ۲۷۲ بقره، ۲۷۳ بقره، ۸ عادیات، ۲۱ معارج، ۱۸۰ بقره)، عافیت و تندرستی (۳۵ انبیاء، ۱۱ حج، ۱۰۷ یونس، ۱۷ انعام)، پیروزی و غنائم (۲۵ احزاب، ۱۹ احزاب) و گزاره‌های دینی از قبیل ایمان و قبول هدایت (۲۳ انفال، ۷۰ انفال)، اسلام (۱۰۵ بقره، ۱۰۴ آل عمران)، بهشت و نعمتهای آن (۸۸ توبه)، مطلق ثواب دنیا و آخرت (۲۶ آل عمران، ۱۱ اسراء، ۳۶ حج)، مطلق نیکیها (۱۱۰ بقره، ۱۴۸ بقره، ۱۵۸ بقره، ۱۸۴ بقره، ۲۰ مزمل و ۱۹۷ بقره) و... را در بر می‌گیرد.

مصادیق خیر در ابعاد فردی و اجتماعی به تصویر کشیده می‌شود. این مصادیق در بعد فردی عبارتند از: ۱- عنایت آمیخته با ترس (۶۱-۵۷ مومنون) ۲- شرک نوزیدن به خدا (۶۱-۵۹ مومنون) ۳- ایمان به آیات پروردگار (۶۱-۵۸ مومنون) ۴- پذیرش اوامر الهی و عمل در چارچوب فرامین الهی (۱۴۸ بقره، ۷۳ انبیاء، ۷۷ حج) ۵- اقامه نماز (۷۷ حج، ۱۱۰ بقره و ۷۳ انبیاء) ۶- مناسک حج (۱۵۸ بقره، ۱۹۷ بقره). مصادیق خیر در بعد اجتماعی عبارتند از ۱- انفاق (۲۱۵ بقره، ۱۸۴ بقره، ۱۱۴ و ۱۱۵ آل عمران، ۶۰ و ۶۱ مومنون) ۲- پرداخت زکات ۳- معامله به قسط با یتیمان.

از تفاوت‌های عمل صالح با خیر، می‌توان به این نکته اشاره کرد که همنشین صالح در قرآن همواره عمل است، در حالیکه همراه و همنشین «خیرات» واژه فعل است. در تفاوت عمل با فعل باید گفت که عمل به کاری گفته می‌شود که از روی قصد و اراده انجام شود. (راغب اصفهانی، ۳۶۰) در حالیکه «فعل» عام بوده و همه اعمال را در بر می‌گیرد، خواه از روی علم باشد یا نباشد، برای انسان، حیوان و یا جماد باشد (راغب اصفهانی، ۳۹۷). لذا عمل صالح اخص از فعل خیر است. عمل صالح عملی است از روی علم و آگاهی با اختیار و انگیزه و کاملاً حساب شده و گزینش شده، در حالیکه فعل خیر چنین نیست. فعل خیر ممکن است صرف انسان دوستی و یا ارضاء تمایلات شخصی انجام شود.

#### ۴- بر

این واژه در قرآن گاه به فتح اول کلمه (بر) به معنای وصفی و گاه به کسر اول کلمه (بر) به معنای مصدری بکار رفته است. در یک مورد این واژه در مورد خداوند بکار رفته است. «أَنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ». (طور، ۲۸) این واژه در قرآن گاه در تقابل واژه جَبَّار قرار گرفته است (۳۲ مریم) و گاه در تقابل با فَجَّار قرار گرفته است (۱۳ و ۱۴ انفطار). واژه‌های متقابل ما را به مفهوم این واژه در قرآن کریم نزدیک می‌کنند. به کسی که به دیگران ستم می‌کند، جَبَّار گفته می‌شود. (راغب اصفهانی، ۸۳) بنابراین واژه بر اگر در ارتباط با خلق خدا قرار گیرد معنای لطف و خوبی و عدالت می‌دهد. از طرفی ابرار در قرآن در تقابل با فَجَّار قرار گرفته است. فاجر کسی است که پرده دیانت را (به وسیله معصیت) پاره می‌کند. (راغب اصفهانی، ۳۸۷) بنابراین ابرار در مقابل خداوند انسانهایی

مطیع به شمار می‌روند. آنچه موید این مطلب است، آنکه در قرآن کریم گاه این واژه به وسیله تقوی معرفی می‌شود. «... ولکن البر من اتقی» (بقره، ۱۸۹) و گاه به وسیله انفاق و رعایت قسط با دیگران تعریف می‌شود. «لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون» (آل عمران، ۹۲)

مصادیق برّ در بعد فردی عبارتند از ۱- ایمان به خدا و روز قیامت (۱۷۷ بقره)  
 ۲- اجرای فرامین الهی (۴۴ بقره) ۳- وفای به عهد (۱۷۷ بقره) ۴- صبر (۱۷۷ بقره)  
 ۵- اقامه نماز (۴۱ بقره و ۱۷۷ بقره). مصادیق برّ در نظام خانوادگی عبارت است از نیکی به پدر و مادر (۱۴ و ۳۲ مریم). مصادیق برّ در نظام اجتماعی عبارتند از ۱- حفظ حقوق افراد اجتماع و رسیدگی به محرومان و نیازمندان (۱۷۷ بقره، ۹۲ آل عمران) ۲- پرداخت حقوق واجب.

در تفاوت عمل صالح و برّ می‌توان گفت که عمل صالح اخصّ از برّ است. عملی است با انگیزه و هدف عالی. اگر در برّ از دوست داشتنها انفاق می‌شود، در عمل صالح، صرف دوست داشتنها کافی نبوده، خشنودی و رضای خدا ملاک است. بر این اساس است که پاداش این دو نیز متفاوت است. «کلا ان کتاب الابرار لقی علیین و ما ادریک ما علیون، کتاب مرقوم یشهده المقربون». (مطفّین، ۱۸-۲۱)

#### نتیجه مقاله

استفاده از روشهای معنی شناسی برای درک دقیق عمل صالح در قرآن کریم نشان می‌دهد که عمل صالح آنگونه که بعضی از مفسرین مفهوم آنرا فقط شرعی گرفته و منحصر به واجبات دانسته‌اند، نیست. البته مفاهیم شرعی نیز از جمله مصادیق عمل صالح است. از طرفی طبق نظر بعضی دیگر از مفسرین که عمل صالح را مفهومی عرفی یافته و تشخیص آنرا به صاحبان عقل سلیم به تناسب زمان ارجاع داده‌اند، نمی‌باشد. عمل صالح از دیدگاه قرآن کریم دارای معیارها و ضوابطی است. معیارهای ذاتی و شرعی دارد، ولی در عین حال مصادیق آن همه ابعاد زندگی انسان را در بر می‌گیرد.

با شناسایی مفاهیم دیگری که در حوزه معنایی عمل صالح قرار دارند، می‌توان گفت که اگر چه واژه های احسان، خیر، معروف و برّ در بعضی از بافتها به معنای عمل صالح بکار رفته‌اند، ولی من حیث المجموع عمل صالح اخصّ از احسان، خیر، معروف و برّ

است. به عنوان مثال تفاوت ارزش عمل صالح و احسان را می‌توان از پاداش اخروی که در آیات ۲۲ و ۲۳ شوری برای این دو ذکر شده، دریافت. «... والذین آمنوا و عملوا الصالحات فی روضات الجنات لهم ما یشاءون عند ربهم ذلک هو الفضل الکبیر ذلک الذی یشیر الله عباده الذین آمنوا و عملوا الصالحات... و من یقترب حسنه نزدله فیها حسناً ان الله غفور شکور».

در نگاه معناشناسانه عمل صالح، عملی با معیار و ضابطه است، معیارهای ذاتی آن عبارتند از ۱- منطبق با سنتهای الهی در جهان آفرینش (نقطه مقابل فساد) ۲- حرکت در چارچوب اوامر الهی (نقطه مقابل فسق) ۳- مقبول طبع و عقل و شریعت (نقطه مقابل سیئه) ۴- در راستای تزکیه انسان است (نقطه مقابل جرم). ۵- همگام با حق است (نقطه مقابل ظلم). بر این اساس می‌توان گفت عمل صالح، در چارچوب اوامر الهی، همگام با سنتهای حاکم در جهان آفرینش، مقبول طبع، عقل و شریعت و در راستای تزکیه انسان است.

معیار شرعی عمل صالح، ایمان است. تداوم همراهی ایمان و عمل صالح در قرآن کریم نشان دهنده منحصر به فرد بودن این عمل است. طبق آیات قرآن، منظور از ایمان، ایمان حقیقی به خدا و معاد و... است. ایمانی که در شرایط و موقعیتهای مختلف ثابت بوده و سختیها و نعمتها نتواند آنرا دگرگون کند. طبق آیه ۱۱۰ کهف، عمل صالح، عملی خالص برای خدا و به دور از هر ریایی است. طبق آیات ۱۹ نمل و ۱۵ احقاف، فقط برای خشنودی خدا انجام می‌شود. این گونه است که عمل صالح اخص از خیر و معروف و بر و احسان است.

### کتابشناسی

- ۱- قرآن مجید، ترجمه و شرح محمود یاسری، تجدید نظر و اصلاحات مهدی حائری تهرانی، بنیاد فرهنگی المهدی، ۱۴۱۵ هـ.ش.
- ۲- ابن کثیر، تفسیر ابن کثیر، تحقیق یوسف عبدالرحمن مرعشی، بیروت، دارالمعرفة للطباعة و النشر و التوزیع.
- ۳- ابن عربی، تفسیر ابن عربی، تصحیح شیخ عبدالوارث محمد علی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۴- اصفهانی، راغب، معجم مفردات الفاظ القرآن، المكتبة المرتضویه، بی تا.

- ۵- آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بی‌جا، بی‌تا، بی‌تا.
- ۶- ابوزمین، ابو عبدالله، تفسیر ابن زنین، مصر، الفاروق الحدیثه، بی‌تا.
- ۷- بانوی اصفهانی، کنز العرفان، تهران، نهضت زنان مسلمان.
- ۸- بیضاوی، تفسیر بیضاوی «بیروت» دارالفکر.
- ۹- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن، تهران، رجاء - اسراء، ۱۳۷۴ هـ.ش.
- ۱۰- رشید رضا، محمد، المنار، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.
- ۱۱- شریعتی، محمد تقی، تفسیر نوین، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
- ۱۲- صفوی، کوروش، درآمدی بر معنی شناسی، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۲ هـ.ش.
- ۱۳- طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ هـ.ش.
- ۱۴- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه التاریخ العربی، ۱۴۱۲ هـ.ش.
- ۱۵- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ هـ.ش.
- ۱۶- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۱۷- طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن. تهران، شرکت سهامی انتشار، بی‌تا.
- ۱۸- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه، بی‌تا.
- ۱۹- قرطبی، محمد بن احمد ابوبکر، مختصر تفسیر قرطبی، اختصار عرفان حسونه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۲۰- مدرسی، محمد تقی، من هدی القرآن، دارالهدی، ۱۴۰۶ هـ.ق.
- ۲۱- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳ هـ.ش.
- ۲۲- نیشابوری، حسین بن علی، تفسیر ابوالفتح رازی، مشهد، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی.
- ۲۳- مصطفی، ابراهیم و دیگران، المعجم الوسیط، استانبول، المکتبه الاسلامیه، بی‌تا.
- ۲۴- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ هـ.ش.
- ۲۵- واحدی، تفسیر واحدی، بیروت، دارالقلم، بی‌تا.